

بقلم: ۱. نیکوهمت

حسین و ثوق

- ۲ -

چون تغییر رژیم حکومت ایران در موقعی بعمل آمد که دولت تزاری روس در شرق اقصی مشغول جنگ بود و بی در پی از ژاپن شکست میخورد، چندی میدان سیاست برای رقیب کهنه کارش خالی ماند.

محمد علیشاه پس از رسیدن بناج و تخت، بواسطه ضعف نفس و غرور جوانی و نداشتن مشاورین خردمند، گول روس پرستان را خورده بنای مخالفت با مجلس شورای ملی و آزادیخواهان را گذاشت. حاضر نشد در راه آبادی کشور و بران و اصلاح امور پریشان ایران قدمی بردارد. میرزا علی اصغر امین السلطان را از اروپا میخواست و صدارت میداد مگر شخصیت و نفوذ و تدبیر او دستگاه استبداد را رونق بدهد. میرزا ابوالقاسم ناصر الملک را که طرف اعتماد مجلس و آزادیخواهان بود عزل و حبس و تبعید میکرد و کار شکنی های درباریان بر پریشانی او ضاع میفرزود.

در ماه جمادی دوم سال ۱۳۲۶ روزی محمد علیشاه بی مقدمه کاخ گلستان را ترک گفت و بیابغ شاه در خارج تهران منتقل شد و لشکریان و سر دستگان اشرار شهر را گرد خود فراهم آورد. کولنل لیاخوف روسی را حاکم نظامی تهران کرد. حکومت وحشت و ترور، بتحریر و تقویت همسایه شمالی قصر بهارستان را بدست بزرگاد قراق که تحت فرمان افسران روسی بودند بتوپ بست، مجلسیان را متفرق ساخت. آزادیخواهان را گرفت، برخی را کشت و برخی را زندان کرد. شادروان سید نصرالله تقوی در چکامه شکواییه «چرا مملکت رو بادبار دارد» گفت:

درش باغ وحش است و این شاه وحشی گمان میکند باز دربار دارد
معدنك شعله انقلاب خاموش نشد و پس از چند ماه طرفداران حکومت
دمکراسی و قانون اساسی بیکدیگر نزدیک شده سازمانی بکار خود دادند. سران

پختیاری با سواران زبده خود از جنوب و مجاهدین، بریاست محمد ولیخان سپهدار تنکابنی و سردار محیی رشتی، از شمال روی تهران آورده پایتخت را گرفتند و محمد علیشاه را که بسفارت بیلاقی روس در زرگنده پناهنده گشته بود از پادشاهی خلع کردند و نام سلطنت را بر پسر صغیرش سلطان احمد شاه گذاشتند و علیرضای عضدالملک از شیوخ محترم قاجار را بنیابت سلطنت برگزیدند.

در جریان انقلاب هیئت مدیره‌ای بریاست حسن وثوق الدوله برای اداره امور جمهور تشکیل یافت. این هیئت در شمس العماره فراهم می آمدند. و چون کارها بجریان عادی خود افتاد و غلبان احساسات فرو نشست و آرامش نسبی در سراسر کشور برقرار شد، محمد ولیخان سپهسالار اعظم کابینه‌ای تشکیل و حسن وثوق را وزارت دادگستری داد. در ترمیمی که در همان سال (۱۳۲۷) در هیئت دولت بعمل آمد وثوق الدوله وزیر دارائی شد. و تشکیلاتی بدان وزارتخانه داده امور مالی را که اختلالی بکمال داشت و در سلطنت پیر شورش محمد علیشاه (که بدوران استبداد صغیر مشهور است) و اعزام سپاه باذربایجان و گیلان و اسپهان و محاصره طولانی تبریز خزانه تهی گشته بود تا حدی اصلاح کرد. نامی از بودجه و لزوم موازنه خرج و دخل بمیان آورد.

وثوق الدوله در دوره دوم تقنینیه که انتخابات غیرمستقیم بود، در درجه دوم، بنماینده‌گی تهران در مجلس شورای ملی آمد و در چند کابینه عضویت یافت، چون صراحت لهجه و قوه تحقیق و تشریح مطالب و نکته سنجی داشت نطق هائی که در جلسات هیئت وزیران و بای تریبون مجلس ملی میکرد مؤثر واقع میشد. حسن وثوق در سخنگوئی و نگارندگی زبردست، سخنش گیرنده و نگارشش دلپذیر بود.

رفته رفته شخص وثوق الدوله در میان رجال ایران موقعیت برجسته‌ای یافته کارش بالا گرفت و سخت متنفذ و قوی شد. آزادیخواهان و روزنامه نگاران و لیبران احزاب را با روی گشاده می پذیرفت، سرایش میعادگاه علماء و دانشمندان بود، در جنب قلوب دستی داشت. بوضع حیرت آوری خود را بمطالب علمی علاقه مندانشان

میداد و در عین حال دارای ملکات اخلاقی ممتاز بود.

مجلس دوم برای تنظیم امور مالیه در سال ۱۳۲۹ بجلب مستشار از امریکای شمالی رأی داد و هیئتی بریاست مسترمرگان شوستر امریکائی بایران آمد. از آن پس دولت چند تن از نظامیان سوئد را برای تشکیل ژاندارمری و شهربانی استخدام کرد. ولی همسایه شمالی ما که با اصلاح شئون ایران مخالف بود بهانه ای بدست آورده عزل و اخراج مستر شوستر و خاتمه دادن به خدمت میسسیون امریکائی را خواستار شد.

سپاهیان روس قدم بخاک ایران گذاشته از گیلان گذشتند و برای تهدید تهران تا قزوین پیش آمدند. در تبریز نطقه الاسلام از روحانیان روشنفکر و چند تن دیگر از ملیون را بدار می آویختند، در رشت فجایعی میگردند، در مشهد گنبد آستانه رضوی را بتوپ می بستند، محمد علیشاه و ازگون بخت را بگرگان می آوردند.

هنگامی که دولت روس برای عزل و اخراج شوستر، که داشت سر و صورتی با امور مالی ایران میداد، اولتیماتوم داد نجفقلی بخبازی (صمصام السلطنه) نخست وزیر و حسن وثوق وزیر امور خارجه بودند. وثوق الدوله در میان هیجان افکار و فریادهای یا مرگ یا استقلال اولتیماتوم را پذیرفت، زیرا که با اوضاع و احوال آنروز چاره جز پذیرفتن نبود، و انگلیسان محیل که باطناً از در خواست رقیب دیرین خود خشنود بودند و نمیخواستند نفوذ امریکائیان در ایران ریشه کند بصمصام السلطنه و وثوق الدوله در آنروزهای سخت بحرانی نصیحت دادند که تسلیم شوند. وزیر خارجه در تنگنای سیاسی و ایران در مقابل حادثه بزرگ تاریخی واقع شده بود.

مرحوم حسن وثوق اولتیماتوم دولت بیدادگر تزاری را پذیرفت و در نتیجه بیشتر از پیشتر بر تجری روس افزوده شد. مأمورین کنسولی ایشان علناً در امور داخلی ایران مداخله و در ایالات و ولایات سرحدی و در تهران از متنفذین و خائنین حمایت میکردند. جسارت اتباعشان بحدی رسید که در روز روشن وزیر دانشمند بی نظیری مثل صنیع الدوله را کشتند بجرم اینکه طرح کشیدن راه آهن ایران را از مالیات قند و شکر تهیه کرده بود.

(نا تمام)